

## پیامد فقر، رشد جمعیت و ویرانی محیط زیست بر زنان

مهندس شراره ورزگر

(کارشناس مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی)



مقدمه:

آثار و نتایج فقر، تداوم رشد سریع جمعیت و تنشهای فزاینده محیط زیست، بتدریج به صورت بحرانهای عظیمی در زندگی صدها میلیون تن از مردم کشورهای مختلف آشکار می‌شود و وضع زیست‌کره (بیوسفر) را به مرز انفجار نزدیک می‌کند.

جامعه بین‌المللی در صدد است نخستین گام در راه گذر به سوی آینده‌ای مطمئن و شایسته را در تمرکز بر این سه موضوع تعیین کند. پیوستگی و درجه تأثیرگذاری این پدیده‌ها به اندازه‌ای است که جامعه بین‌المللی آن را هم‌اکنون تحت عنوان PPE<sup>(1)</sup> و به صورت نظریه واحد تلقی می‌کند. امروزه نظریه پردازان برآنند که هم‌اکنون جهان در رویارویی با آرمان برآورده ساختن اساسی‌ترین نیازهای مردم، زمان محدودی در اختیار دارد و کشاورز شدن این مسئله به‌قرن بیست و یکم پیامدهای بی‌دامنه‌تری در پی خواهد

داشت عنایت به‌ساماندهی این مسئله و گذر در مسیر نوین، به‌منظور تأمین حداقل نیازهای معیشتی و زیستی، تثبیت و کاهش جمعیت و الگوهای پیشرفت انسانی در خود برای تمامی ملتها، مستلزم عزم جهانی و ابتکارات هوشمندانه‌ای است.

اغلب کنفرانسهای جنجالی این دهه نیز نظیر کنفرانس زمین، کنفرانس جمعیت و توسعه و بالاخره کنفرانس توسعه، منعکس‌کننده رشد و آگاهی جهان در زمین این مسئله و تأکید بر حل این چالش عظیم است.

در این مقاله ابتدا سعی می‌شود، هر یک از سه مسئله به‌صورت جداگانه مطرح و سپس نشان داده شود که پیامد آثار این سه موضوع بر یکدیگر تا چه حد بر شرایط جهان اثرگذار است و در این زمینه چگونه می‌توان در گسستن این پیوستگی عمل کرد.

## ۱ - فقر:

فقر در تمامی کشورهای در حال توسعه از مشکلات اساسی به‌شمار می‌رود، لیکن کوششهای انجام شده در مقابله با این پدیده چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. آمارها گویای آن است که فقر بیش از یک پنجم پدیده چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. آمارها گویای آن است که فقر بیش از یک پنجم مردم جهان را فرا گرفته است.<sup>(۱)</sup> اکثر این افراد از مهمترین نیازهای زیستی محرومند و زندگی پیوسته سخت‌تری را پیش‌رو دارند. به‌طوری که شدت و افزایش فقر، چنانچه، آهنگ کنونی ادامه یابد، تعداد مستمندان را در طول عمر یک نسل به‌چهار برابر خواهد رساند.<sup>(۱)</sup> براین اساس بیش از یک میلیارد فقیر در کشورهای در حال توسعه به‌سر می‌برند که ۶۳۰ میلیون نفر آنان را فقرای مطلق تشکیل می‌دهند و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۰۰ شمار آنان به‌مرز ۱/۳ میلیارد نفر خواهد رسید.<sup>(۱)</sup>

یونسکو در زمینه شکاف روزافزون کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه اعلام کرده

است که در سال ۱۹۶۰، ۲۰ درصد از جمعیت مرفه کشورهای رشد یافته در مقایسه با توده‌های فقر زده جهان ۳۰ برابر بیشتر از امکانات رفاهی برخوردار بوده‌اند. این روند در طی کمتر از ۳۰ سال (۱۹۸۹) به دو برابر گذشته افزایش یافته است و بدین ترتیب ثروتمندترین گروه‌های اجتماعی در کشورهای توسعه یافته ۶۰ بار بهتر از فقیرترین گروه‌های اجتماعی در کشورهای روبه‌رشد زندگی می‌کنند.

شکاف فقیر و غنی در درون کشورها به مراتب حادثر بوده و گاهی درآمد ۲۰ درصد از طبقات پردرآمد، ۱۵۰ بار بیش از درآمد ۲۰ درصد از طبقات که درآمد بوده است.

در بررسیهایی که در زمینه افراد فقیر در جهان شده است، زنان همواره به‌عنوان اصلی‌ترین گروه شناسایی شده‌اند. بررسی آمارهای منابع مختلف سازمان ملل متحد که مجموعه‌ای از آن را می‌توان در نشریه زنان در سال ۱۹۹۱ ملاحظه کرد، بازگویی آن است که زنان اکثریت فقرای جهان را تشکیل می‌دهند. این آمارها نشان می‌دهد که از سال ۱۹۷۵ شمار زنانی که در مناطق فقیر روستایی به‌سر برده‌اند، ۵۰ درصد افزایش یافته است.<sup>(۲)</sup>

با رانده شدن هر چه بیشتر زنان روستایی به‌صفت فقرا و نیازمندان، شکافهای اقتصادی و اجتماعی بین مردان و زنان عمیقتر شده است. صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (IFAD) نیز در سال ۱۹۹۲، اعلام داشت که زنان نزدیک به ۶۰ درصد از فقرای جهان را تشکیل می‌دهند و همچنین پیش‌بینی کرد که این رقم تا سال ۲۰۰۰ به ۶۵ تا ۷۰ درصد خواهد رسید.<sup>(۲)</sup>

برای آنکه تصویر روشن و گویایی از وضعیت نابسامان زنان بویژه در کشورهای در حال توسعه به‌دست دهیم به‌صورت خلاصه به‌ذکر مهمترین معیارهای تشکیل‌دهنده توسعه انسانی که توسط سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ ارائه شده است می‌پردازیم:

- دو سوم از افراد بی‌سواد جهان را زنان تشکیل می‌دهند.

- نیمی از زنان روستایی بیش از ۱۵ ساله از نعمت سواد محرومند و زنان از حیث سواد در مقایسه

با مردان از سطح بسیار نازلتری برخوردارند. (میزان متوسط سواد برای مردان ۷۵ درصد و برای زنان ۵۵

درصد است و متوسط نرخ سواد زنان در مقایسه با مردان در کشورهای در حال توسعه ۷۶ درصد است) و نابرابریهای زیادی میان زنان و مردانی که به دوره تحصیلات عالی راه می‌یابند، مشاهده می‌شود. این وضع در رشته‌های علمی و فنی کاملاً مشهود و ملموس است.

- سالانه ۵۰۰/۱۰۰۰ زن در سراسر جهان در اثر عوارض ناشی از بارداری، زایمان و سقط جنین‌های نادرست جان خود را از دست می‌دهند و زنان در جنوب ۱۲ بار بیشتر از شمال در معرض خطر مرگ ناشی از بارداری و زایمان قرار دارند. چندین برابر این رقم نیز دچار اختلالات ویژه و بیماریهای مختلف قرار می‌گیرند که برای همه عمر دردمندی، رنج و ناتوانی را با خود همراه دارند.

- زنان باردار، مادران شیرده، کودکان و نوجوانان دختر در خانوارهای فقیر کشورهای در حال توسعه، غالباً آسیب‌پذیرترین گروه تغذیه‌ای به‌شمار می‌روند و در کشورهای جهان سوم از هر ۴ زن، یک نفر دچار سوء تغذیه است و این عامل عمده‌ای در مرگ و میر آنان به‌شمار می‌آید.

- ۴۰ درصد از زنان کشورهای در حال توسعه از کم‌خونی ناشی از کمبود آهن رنج می‌برند که اگر تنها زنان جامعه را به‌شمار آوریم، این نسبت به‌بیش از ۵۵ درصد افزایش خواهد یافت. این عارضه مهم‌ترین علت مرگ و میر زنان در دوران حاملگی و زایمان است. در کشورهای آسیایی نیز همواره بیش از ۳ زن حامله را در برمی‌گیرد. در بیشتر این جوامع عدالت در تقسیم غذا، بین مردان و زنان، پسران و دختران به‌دلیل فقر فرهنگی رعایت نمی‌شود.

- زنان در بیشتر کشورهای در حال توسعه، قدرت تصمیم‌گیری در بسیاری از سطوح بویژه در زمینه بچه‌دار شدن و زمان آن را ندارند و همواره نظریات آنان در این زمینه نادیده گرفته می‌شود. ۱۲۰ میلیون زن در کشورهای در حال توسعه که

خواهان حاملگی نیستند، از روشهای تنظیم خانواده استفاده نمی‌کنند و در نتیجه از هر ۵ حاملگی یک مورد آن ناخواسته است.

- دسترس کافی به منابع و امکانات خانواده نظیر حق مالکیت، بهره‌مندی از ارث و یا اداره اموال، به‌شکل قانونی و یا در عمل در اغلب کشورهای در حال توسعه از زنان سلب شده است.

- زمینه‌های حقوقی فراوانی در جهت تبعیض و برتری مردان وجود دارد و تنها  $\frac{1}{10}$  از نمایندگان مجلس در سراسر جهان را زنان تشکیل می‌دهند که این رقم در کشورهای در حال توسعه بسیار پایین‌تر است.

- زنان به‌عنوان نیمی از نیروی کار، سهم اندکی در بازار کار دارند و غالباً با بیکاری و فقر روبه‌رو هستند و کار نامحسوس کشاورزی در کشورهای در حال توسعه غالباً به‌وسیله زنان صورت می‌پذیرد و به‌رغم آنکه حداقل نیمی از مواد غذایی دنیا را تولید می‌کنند، ثمره تلاش آنان غالباً ۳۰ تا ۴۰ درصد کمتر از مردان است و در بیشتر موارد نیز بدون پاداش اقتصادی است. مسئولیتهای متعدد خانگی نیز زمینه‌ساز کار بیشتر برای آنان است. (۳)

- درآمد حاصل از کار زنان تنها  $\frac{1}{10}$  درآمد دنیا و کمتر از یک درصد داریی‌ها در سراسر جهان به‌شمار می‌آید و بیش از ۶۰ درصد زنان جهان در شرایطی به‌سر می‌برند که سلامت آنان همواره در خطر است. (۴)

متأسفانه با تلاشهای زیادی که شده است، هنوز فقر مهم‌ترین تهدید در مقابل توسعه به‌شمار می‌رود و تداوم نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی و جنسیتی تلاشهایی را که در جهت ارتقای کیفیت زندگی صدها میلیون نفر از زنان به‌کار می‌رود مختل کرده است و به‌نظر می‌رسد جستجو برای یافتن راهی مناسب باید

از همین نقطه آغاز شود.

## ۲- رشد جمعیت:

کشورهای در حال توسعه با افزایش بی‌سابقه رشد جمعیت روبه‌رو هستند و اینک در آخرین دهه قرن بیستم (۱۹۹۴) جمعیت جهان به ۵/۷ میلیارد نفر رسیده است که ۷۷ درصد آن در کشورهای در حال توسعه به‌سر می‌برند. افزایش سریع جمعیت برای متفکران، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان نگرانی‌هایی را ایجاد کرده و تلاشهایی را در جهت کاهش آن آغاز شده است. افزایش سریع جمعیت، عمدتاً متعلق به کشورهایی است که به‌نوعی از فرایند توسعه باز مانده‌اند و تفاوت‌های چشمگیری بین مناطق کشورهای مختلف در رابطه با رشد جمعیت دیده می‌شود که تأثیر بسزایی بر اندازه نهایی و توزیع مناطق به‌جای می‌گذارد.

طبق پیش‌بینی سازمان ملل در سال ۲۰۲۵، شمار جمعیت مردم جهان به ۸/۲ میلیارد نفر خواهد رسید که ۶/۸ میلیارد یا ۸۳ درصد این جمعیت به کشورهای فعلی در حال توسعه اختصاص خواهد داشت. بدین ترتیب از حدود ۲ میلیارد خالص ازدیاد جمعیت جهان در ربع اول قرن بیست و یکم ۹۴ درصد نصیب کشورهای فعلی در حال توسعه و فقط ۵/۸ درصد از آن مربوط به کشورهای پیشرفته می‌شود.

قاره آسیا با در بر گرفتن ۹۸۶ میلیون یا ۴۷/۳ درصد ازدیاد جمعیت این دوره، به‌جمعیتی حدود ۴/۵ میلیارد نفر در سال ۲۰۲۵ خواهد رسید.

بدین‌سان همانند دهه پایانی قرن بیستم در دهه نخست قرن بیست و یکم نیز، تداوم رشد و ازدیاد جمعیت، پدیده ویژه جهان سوم و تقریباً منحصر به کشورهای در حال توسعه می‌شود. از این رو به‌یقین شکاف و فاصله موجود بین سطح اقتصاد و زندگی کشورهای پیشرفته و در حال رشد باقی خواهد ماند.<sup>(۵)</sup> رشد جمعیت، برنامه‌ریزی را برای تأمین نیازهای اساسی انسانی بخصوص برای گروه‌هایی نظیر

زنان که در محرومیت بیشتری به سر می‌برند با توجه به محدودیت منابع دشوارتر می‌کنند. علاوه بر این رشد جمعیت، موجب تشدید عوامل بازدارنده‌ای می‌شود که امر توسعه را با دوگانگی مواجه می‌سازد به طوری که اگر هدف تأمین نیازهای اساسی جمعیت در اولویت قرار گیرد ناگزیر باید قسمت چشمگیری از درآمد ملی به این امر اختصاص داده شود در نتیجه سرمایه‌گذاری بنیادی در زیرساختهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور میسر نخواهد بود. چنانچه از مصرف فعلی چشمپوشی شود، انسانها که مهمترین عامل در فرآیند توسعه به‌شمار می‌آیند دچار نقصان در بهره‌وری، کاهش توانمندی، کاهش آموزش پذیری و خلاقیت خواهند شد که نهایتاً نارساییهای بیشتری را در گسستن زنجیره فقر ایجاد خواهد کرد.

مطالعات و تجربیات موجود نشان می‌دهد که رابطه‌ای بسیار قوی بین توسعه اجتماعی و اقتصاد، رشد جمعیت و وضعیت زنان وجود دارد. بعنوان یکی از مهمترین پدیده‌های مؤثر بهبود شرایط زنان و کنترل جمعیت در ۲۰ ساله اخیر مورد توجه بسیاری از کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است به طوری که میزان باروری را از ۶/۱ فرزند برای هر زن به ۳/۷ در حال حاضر کاهش داده است. با وجود این در حال حاضر تنها ۵۳ درصد در این دسته از کشورها از وسایل تنظیم خانواده استفاده می‌کنند.<sup>(۶)</sup> بدین ترتیب تلاشهای بیشتری باید صورت گیرد و این مسئله باید به عزم همگانی بدل شود تا بتوان به موفقیت آن خوشبین بود. کاهش باروری بیش از هر عاملی بروضعیت زنان اثرگذار است. بخصوص در جوامع روستایی در حال توسعه که غالباً نرخ باروری به میزان چشمگیری از جامعه شهری بیشتر است. از یک سو کاهش باروری به کاهش مرگ و میر مادران و بقای کودکان می‌انجامد و ارتقای سطح بهداشت و سلامت را به‌ارمغان خواهد آورد. از دیگر سو از آنجا که زنان و دختران غالباً محرومترین افراد در درون خانوار محسوب می‌شوند و نابرابریها و موانع زیادی بر سر راه زنان در عرصه کار و استفاده از امکانات وجود دارد کوچک بودن خانوار زنان و دختران را در معرض خدمات و بهره‌مندی بیشتری از امکانات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار می‌دهد و باعث تقویت قابلیت‌های آنان می‌شود.

### ۳ - تخریب محیط زیست:

مشکلات روزافزون زیست محیطی در جهان، سازمان‌های بین‌المللی<sup>(۷)</sup> و صاحب‌نظران این حوزه را از دهه ۷۰ بر آن داشت که لزوم چاره‌اندیشی را به‌همگان متذکر شوند و فعالیت گسترده‌ای را با ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و فنی آغاز کنند. هدف از تمامی تلاشها مدیریت و استفاده منطقی از منابع زیستی، پیشگیری و یا کاهش آلودگیها و تخریب محیط زیست، آموزش تمامی افراد در جهت حفظ محیط زیست و تعادل اکولوژیکی، ترویج پژوهشهای علمی، سازماندهی مؤسسات اجتماعی برای برقراری همکاریهای بین‌المللی در محو و یا کاهش آثار سوء فعالیتهای انسانی بوده است.

بنابر ادعای مؤسسه نظارت جهانی، کره زمین از سال ۱۹۷۲ به این سو، ۲۰۰ میلیون هکتار از پوشش درختی خود را از دست داده است، کشاورزان جهان ۵۰۰ میلیون تن از خاک سطحی قابل کشت کره زمین (معادل خاک سطح قابل کشت فرانسه و هند) را از دست داده‌اند. دریاچه‌ها و رودخانه‌ها تبدیل به فاضلاب مواد صنعتی شده است و دهها هزار گونه حیوانی و گیاهی که در کره زمین می‌زیسته‌اند، اینک از میان رفته‌اند.<sup>(۸)</sup>

آمار بیانگر آن است که کشورهای صنعتی که تقریباً ۲۲ درصد از مردم جهان را در خود جای داده‌اند، در حال حاضر عامل به‌مصرف رسیدن سه چهارم انرژی جهان و دو سوم همه گازهای گرمخانه‌ای و ۹۰ درصد کلرور فلئوئور کربنی هستند که لایه محافظت کننده زمین را تهدید می‌کند.<sup>(۹)</sup> نمودار شماره (۱)

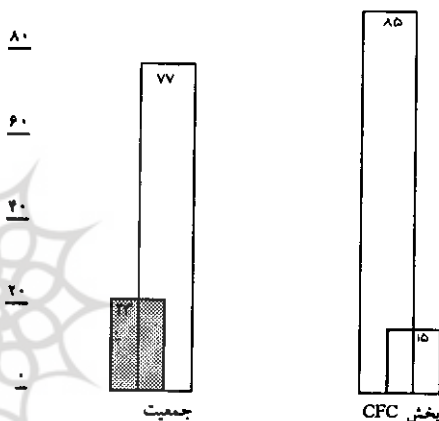
بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز به‌سهم خود به‌مصرف بی‌رویه منابع تجدید ناشدنی پرداخته‌اند و موجب نابودی محیط و بخشی از آلودگیهای جهان شده و با مصرف هر چه بیشتر، به‌نیازهای اساسی جمعیت شتابان کشور خود پاسخ گفته‌اند. بدین ترتیب عامل اصلی تنشهای زیست محیطی در اغلب کشورهای در حال توسعه رشد شتابان جمعیت است و پیامدهای اجتناب‌ناپذیر آن نیز برای میلیونها تن از مردم فزونی فقر و مشقت است. (نمودار شماره ۲ و ۳) این الگوها با تغییراتی کم



## اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه‌نامه نقش زنان در کشاورزی

نمودار شماره ۱ جمعیت و آلودگی

سهم کل جمعیت و بخش کل کلروفلوئور و کرین (CFC) کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه جهان



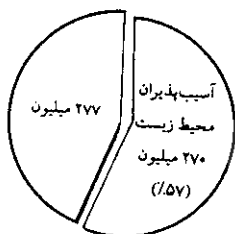
نمودار شماره ۲. آسیب‌پذیران

نمودار و نسبت فقیرترین مردم روستایی در کشورهای رو به رشد جهان که در مناطقی با کمترین امکانات کشاورزی بسر می‌برند و در معرض تباهی محیط قرار دارند.

همه کشورهای در حال رشد

جمعیت روستایی ۲۰٪ فقیرترین کشورهای رو به رشد

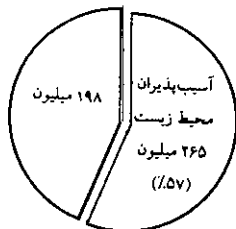
جهان = ۶۴۷ میلیون



نمودار شماره ۳. آسیب‌پذیران در آسیا

تعداد و نسبت فقیرترین مردم روستایی در آسیا (شامل چین و خاورمیانه) که در مناطقی با کمترین امکانات کشاورزی بسر می‌برند و در معرض تباهی محیط قرار دارند  
آسیا

آسیا ۴۶۳ میلیون تن از ۶۴۷ میلیون فقیرترین مردم نواحی روستایی کشورهای رو به رشد جهان را در خود دارد.



بخش ماده CFC به لایه اوزون

زمین آسیب می‌رساند و موجب

گرم شدن کره زمین می‌گردد.

منبع: وضعیت کودکان جهان ۱۹۹۴ صندوق کودکان سازمان

ملل متحد (یونیسف)

و بیش، تقریباً در همه مناطق در حال توسعه تکرار شده است. رشد جمعیت و ماهیت فقر در بسیاری از این کشورها پراکنش متعادل جمعیت را بهم ریخته و فقرا به ناچار بیش از پیش در مناطقی تمرکز می‌یابند که از نظر محیطی جنبه حاشیه‌ای و آسیب‌پذیر دارند. برای فقرا، بهره‌گیری از شرایط سست و کم‌مایه و استفاده افزون از منابع اصلی اجتناب‌ناپذیر است. بدین ترتیب دور باطل فقر و تنشهای زیست‌محیطی تکرار می‌شود و فقرا غالباً به علت بی‌بهره بودن از امکانات و فرصتها نمی‌توانند در گسستن این چرخه اقدام مؤثری بنمایند. قطع درختان و جنگل‌زدایی، زمینهایی که بر اثر نابودی جنگلها در معرض نابودی قرار می‌گیرند و استحکام و قابلیت باروری را در عرض چند سال از دست می‌دهند، دامنه‌های پرشیب کوهستانها که بدون سرمایه‌گذاری اصولی مرتباً کشت می‌شوند، زمینهای حاشیه‌ای که کشاورزان به صورت مداوم و مستمر به کشت و کار می‌پردازند، بدون آنکه برای غنی کردن خاک آن اقدام شود و بالاخره مراتع و چراگاههایی که به بیش از حد مجاز دامها در آن چرا می‌کنند از جمله مسائلی است که روستاییان کشورهای در حال توسعه غالباً برای مقابله با فقر به آن دست می‌زنند. مشکلات پدید آمده حاصل از زنجیره فقر و تنشهای زیست‌محیطی غالباً زنان این گونه جوامع را بشدت متأثر کرده است و زنان با چنین وضعی، ناگزیر به حمل چوب برای سوخت و سایر مایحتاج از راههای بسیار دور خواهند شد و هنگامی که ذخایر آب در دسترس نباشد، باید مسافتهای طولانی را طی کنند و برای تهیه خوراک خانوار در زمینهای کشاورزی به فعالیتهای سخت‌تری بپردازند تا حداقل نیازهای اساسی خانوار تأمین شود.

از آنجا که سهم زنان در تولید مواد غذایی حداقل ۵۰ درصد برآورد شده است، لذا نقش زنان روستایی در تنشهای زیست‌محیطی موضوع بسیار با اهمیتی است. بررسیها و مطالعات موردی و پراکنده نشان می‌دهد که زنان در جوامع روستایی و عشایری در تولید<sup>(۳)</sup> و باز تولید اقتصادی و اجتماعی نقش کلیدی ایفا می‌کنند. بنابراین سهم انکارناپذیری در اقتصاد کشاورزی کشور و ارتباط آن با محیط‌زیست دارند. لیکن آنان در جریان این گونه فعالیتهای تولیدی در معرض انواع عوارض نامساعد

محیط نیز قرار می‌گیرند. نشاکاری و وجین و کودپاشی در شمال کشور از جمله فعالیت‌هایی است که آثار نامطلوبی بر سلامت زن کشاورز که با دست و پای برهنه مشغول به کار است به‌جای می‌گذارد. مراحلی از تهیه خشکبار نظیر پوست‌کندن پسته نیز از جمله فعالیت‌های مشقت‌باری است که به‌وسیله زنان صورت می‌پذیرد و به‌لحاظ سمپاشی درختان پسته و کار مداوم پوست‌کندن، در پایان کار، دست‌های خون‌آلوده و مجروحی را برای آنان باقی می‌گذارد. نظافت اصطبل، انتقال فضولات، تیمار دام، تغذیه دام و تهیه فرآورده‌های دامی و تهیه مواد سوختی از فضولات دام نیز از دیگر مسائلی است که آنان را در معرض انتقال بیماری‌های مشترک انسان و دام قرار می‌دهد. بافتن قالی با ساعات کار طولانی در مکان‌های تاریک و غیربهداشتی و با مزد اندک را نیز می‌توان از جمله فعالیت‌هایی به‌شمار آورد که زنان فقیر روستایی به‌منظور بقای خانوار به آن مبادرت می‌ورزند.

به‌طورکلی زنان به‌ویژه روستاییان به‌دلیل کارکرد خاصی که در تقسیم کار، نصیب آنان شده است، به‌نحو مؤثری بر محیط پیرامون خود اثرگذار هستند و نقش زنان علاوه بر فعالیت‌های تولیدی در محیط‌زیست، در مقوله مصرف نیز سهم مؤثری را داراست.

متأسفانه نبود آموزش کافی در زمینه مسائل و معضلات زیست‌محیطی موجب شده است که زنان روستایی به‌رغم علاقه خود به طبیعت، ناآگاهانه به‌علت فقر و جهل، محیط پیرامون خود را تخریب کنند. از جمله آثار سوء زیست‌محیطی که زنان نقش عمده‌ای در آن دارند استفاده از سوخت‌های سنتی نظیر فضولات حیوانی و هیزم برای گرما و پخت‌وپز است. منبع اصلی تأمین سوخت هیزم از طریق جمع‌آوری گون و درختان جنگلی است. تهیه این قبیل سوخت‌های سنتی در بیشتر گروه‌های کم‌درآمد روستایی و عشایری را زنان روستایی و عشایری عهده دارند که اگر در روستاها کود بهداشتی قابل مصرف به‌زمین باز گردد و روستاییان و عشایر کمتر از هیزم و چوب و گون استفاده کنند، منابع طبیعی حفظ خواهد شد. نقش زنان در استفاده از این نوع انرژی، بخصوص در ارتباط با مصارف خانگی حایز اهمیت است.

غیربهداشتی کردن آب‌ها هنگام حمل آب و پرتاب زباله و کثافات نیز از جمله موارد دیگری است

که زنان روستایی و عشایری ناخواسته بدان مبادرت می‌ورزند. ساکنان پایین‌دست رودخانه‌ها، آثار غیربهداشتی ناشی از آنها بردوش می‌کشند که گهگاه عوارض ناشی از عدم مراقبت به‌بوی تعفن، ایجاد منجلاب و گندابها و از بین رفتن آبزیان منجر می‌شود.

افزون براین، نقش زنان در مقوله مصرف کمتر و کاهش ضایعات نیز در کنترل محیط‌زیست بسیار با اهمیت تلقی می‌شود. کالاها غالباً مراحل مختلفی را برای تولید طی می‌کنند، لیکن سرنوشت نهایی بیشتر کالاهای تولیدی به منازل مسکو و جایی که حیطه اقتدار و تصمیم‌گیری زنان به‌شمار می‌آید، ختم می‌شود لذا آنان نقش تعیین‌کننده‌ای در تولید، میزان مصرف، نحوه مصرف و مدت آن دارند. زنان می‌توانند در تولید کمتر زباله و آلوده‌زدایی محیط نقش درخور توجهی ایفاء کنند. البته میزان تولید ضایعات در خانوارهای روستایی و عشایری در مقایسه با خانوارهای شهری بسیار اندک است و ضایعات خانوارهای روستایی و عشایری غالباً به‌اشکال مختلف نظیر خوراک دام و کود به‌مصرف می‌رسد و کمتر آلودگی از این طریق حاصل می‌شود. تا زمانی که آموزشهای زیربنایی، مشارکت صحیح زنان را در این مسائل زیست‌محیطی مهیا نکند، مسائل زیست‌محیطی با شدت بیشتری جریان خواهد داشت.

#### ۴ - پیامد کنش متقابل سه متغیر بر زنان

رشد مداوم و سریع جمعیت در بیشتر کشورهای در حال توسعه و بویژه فقیر، نتیجه رویارویی ناخوشایند میان فقر و پیشرفت است. گرچه نمی‌توان ادعا کرد که تمامی فقرا الزاماً خانوارهای پرجمعیتی را نیز دارا هستند، لیکن همواره در تمامی کشورهای در حال توسعه تجارب نظری و عملی نشان می‌دهد که همبستگی شگرفی بین فقر و رشد جمعیت مشاهده شده است و بدین ترتیب فقر، نیروی محرکی برای رشد جمعیت مهیا می‌کند و رشد جمعیت نیز به‌نوبه خود نیروی تازه‌ای برای فقرا ایجاد می‌کند و به‌تشدید یکدیگر می‌پردازند.

بدین ترتیب رشد مداوم جمعیت، در حقیقت عامل همیشگی در کاهش سطح زیستی زندگی

توده‌های فقیر ایجاد می‌کند که غالباً به شکل نرخ بالای مرگ و میر و کاهش امکانات برای ارتقای زندگی ظاهر می‌شود. نیروی فعال نیز به نحوی همواره سریعتر از فرصتهای اشتغال رشد می‌کند و بر خیل بیکاران روز به روز افزوده می‌شود. با چنین رویکردی، شرایط فقرای روستایی برای تأمین معاش و تأمین نیازهای اولیه و اساسی زیستی دشوارتر می‌شود. به‌ناچار آنان با یورش به خاکها، مواد سوختی، چراگاهها و منابع طبیعی فشار فزاینده‌ای را بر محیط زیست وارد می‌کنند که موجب به هم ریختن تعادل اکولوژیکی می‌شود و در دراز مدت دستیابی به اصلاحات زیربنایی را دشوارتر می‌سازد.

از آنجا که همواره، شمار زنان به‌طور نامتناسبی فقیرترین بخش جمعیت را تشکیل می‌دهند، لذا در شرایط فقر، امکانات بدزیستی برای آنان تثبیت و یا افزایش می‌یابد و آنان ناگزیر به تلاشهای بیشتر برای گذران زندگی خود و خانوار خود می‌شوند. با مواجهه با این بحران، نیروی کار خانوادگی به‌ویژه دختران و زنان و تلاش برای برآورده ساختن اساسی‌ترین نیازهای زیستی بشدت افزایش می‌یابد و نیروی کار زنان در مزارع خانوادگی و بیشتر تحت عنوان کارگران خانوادگی بی‌مزد استمرار می‌یابد.

مطالعات موردی و پراکنده در کشور، رابطه معکوس میزان زمین و نقش زنان در فعالیتهای کشاورزی را مطرح کرده است. در واحدهای بزرگ، غالباً فعالیتهای زنان روستایی بیشتر معطوف به فعالیتهای خانگی و تبدیل مواد خام است. لیکن در واحدهای خرد زنان ناگزیر به کار در مزرعه کوچک خود و یا مزارع دیگران به شکل کارگر مزدی می‌شوند و بدین ترتیب مسئولیت اقتصادی زنان در بهره‌برداریهای پایین و با رویکرد فقر سنگین‌تر و چشمگیرتر است.

امروزه، عبارت «پناهندگان اکولوژیکی» از جمله عبارات متداول در بخشهای مربوط به توسعه در کشورهای در حال توسعه است و به این معنی است که بر اثر نابودی جنگلها و به‌طور کلی پوشش گیاهی، از بین رفتن خاک، کم آبی و یا بی‌آبی و نهایتاً چیره شدن فقر، روستاییان به مناطق حاشیه‌ای و آسیب‌پذیر از نظر زیست محیطی پناه می‌برند و چاره‌اندیشی آنان محدود به استفاده از شرایط سست و کم‌مایه می‌شود و منابع پایه در دسترس را پیوسته بیشتر و بیشتر به‌مصرف می‌رسانند، تا تکافوی خود و خانوار

پرجمعیتشان را بنماید. یا به اطراف شهرهای بزرگ کوچ می‌کنند (این وضعیت امروزه در ایران، اتیوپی، سودان و بسیاری از کشورهای در حال توسعه دیده می‌شود)<sup>(۱۰)</sup>

با تخریب محیط‌زیست، فقر بیشتر و کاهش درآمد خانوار روستایی، مرد خانوار برای یافتن فرصتهای اشتغال روستا را رها می‌کند و زنان روستایی که در روستا باقی مانده‌اند، به سمت سرپرست خانوار در می‌آیند<sup>(۱۱)</sup> و ناگزیر به سازگاری برای ادامه زندگی از طریق کار طاقت‌فرسا می‌گردند. بدین ترتیب سعی در بقای خانواده و حفظ سطح زندگی خود می‌کنند و در زمین کوچک خود و یا به صورت کارگر در مزارع دیگر تلاش می‌کنند. و چنانچه مهاجرت به صورت دسته‌جمعی صورت پذیرد، با چنین رویکردی خانوار، دچار مشکلات فقر، بیکاری پنهان و آشکار، تغییر در الگوی مصرف، مشکلات اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی فراوانی می‌شود. زنان در این میان بیش از سایرین محرومیت‌ها را لمس می‌کنند. زیرا زنان روستایی از یک سو از نقطه نظر سواد و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای در سطح پایین‌تری قرار دارند و لذا فرصتهای شغلی برای آنان در شهر به حداقل می‌رسد و با مهاجرت خود از فعالیتهای تولید پیشین بازمانده به عنصر غیرکارآیی بدل می‌شوند. از دیگر سو مشکلات زیست‌محیطی که از طریق نامناسب بودن سکونتگاهها، نبود آب لوله‌کشی بهداشتی، فقدان فاضلات و تشکیلات جمع‌آوری زباله با توجه به تجمع خانوارها در محیط کوچک و زیان بخش بهداشتی ایجاد می‌شود مشکلات فراوانی را از نقطه نظر بهداشتی فراهم می‌سازد. از آنجا که زنان از بعد جسمی به دلیل خصوصیات فیزیولوژیکی و نیز دریافت کمتر مواد آسیب‌پذیرتر از سایرین هستند، بنابراین در معرض ابتلای بیشتر به عفونت‌ها و بیماریها نیز قرار می‌گیرند.

بدین ترتیب فرایند این دو نوع مهاجرت، گرچه کاملاً متفاوت و وجه افتراق زیادی با یکدیگر داراست، لیکن ویژگی آسیب‌پذیری از بعد محیط‌زیست و تباهی و نابودی منابع و فقر بیشتر زنان هر دو را با خود به همراه دارد.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در مجموعه روابط متقابل میان سه پدیده فقر، رشد جمعیت و تخریب محیط‌زیست، غلبه بر بدترین جنبه‌های فقر که نیروی محرک عظیمی هم برای رشد جمعیت و هم برای فشارهای محیطی در کشورهای در حال توسعه فراهم کرده است، بسیار مهم تلقی می‌شود. بنابراین باید الگوی تازه‌ای از توسعه طراحی کرد که مردم را فارغ از نژاد جنس و قومیت و... در محور قرار دهد.

در این زمینه لازم است که در کشورهای در حال توسعه الگوی توزیع درآمد اصلاح شود، تولید و مصرف با بازنگری عمیقی صورت پذیرد و همزمان و هم‌آهنگ با حفظ و مراقبت از منابع پایه در جهت تأمین نیازهای اساسی اشتغال بیشتر برای قشرهای آسیب‌پذیر کوشش شود. لیکن پیش شرط لازم برای حرکت در جهت توسعه و گسستن چرخه فقر، اجرای هدفهای انسانی بنیادین است.

هدفهایی نظیر بهداشت و تغذیه، آموزش پایه، مهارتها و آموزشهای فنی و حرفه‌ای، کنترل جمعیت از طریق تنظیم خانواده، زدودن هر چه بیشتر نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی و جنسیتی و ایجاد جو دمکراسی و مشارکت زنان بویژه زنان روستایی از جمله هدفهایی است که می‌تواند زمینه‌های لازم را برای خانوارهای فقیر فراهم کند.

### ۱ - بهداشت و تغذیه:

رسیدن به هدفهای اساسی در زمینه بهداشت بدون شک در کاهش پیامدهای منفی سه پدیده PPE مؤثر است. زیانهای اقتصادی ناشی از وقوع بیماریهای خاص از یک سو و فایده اقتصادی حاصل از کارایی انسانها و بهبود بهره‌وری تولید از سوی دیگر می‌تواند در شکستن زنجیره فقر مؤثر باشد. از دید دراز مدت، ارتقای بهداشت و تغذیه برای مادران، نهایتاً به رشد جوامع انسانی کمک می‌کند. از آنجا که مادران از بدو تولد و حتی قبل از آن در رشد نسل آینده نقش بسزایی دارند و سپس با پرورش کودکان، زیرساختهای جوامع را پایه‌ریزی می‌کنند و با ارائه خدمات در درون خانوار مهمترین و کلیدی‌ترین نقش

را ایفا می‌کنند، بنابراین آگاه ساختن زنان و آموزش‌های بهداشتی و تغذیه‌ای می‌تواند بیشترین فایده را در پیشبرد جوامع به دست آورد.

## ۲ - آموزش و پرورش:

دستیابی به هدف تأمین آموزش پایه برای همگان یکی از بنیادی‌ترین شرایط لازم برای مقابله با بعد زیست‌محیطی در مسئله فقر، رشد جمعیت و تباهی محیط‌زیست است. اجرای چنین هدفی از آن جهت بسیار حایز اهمیت است که میلیون‌ها نفر از دانش، حق انتخاب و فرصت مطلوب بهره‌مند خواهند شد و درباره مائل خاص خود می‌توانند، تصمیم‌های سنجیده گرفته و خود را با تغییرات بیشتر وفق دهند.

در این رابطه حلقه‌های ارتباطی محدودی وجود دارد و آموزش و پرورش پایه می‌تواند بر بهداشت، تنظیم خانواده و تغذیه مشخصاً کمک کند و از سلطه فقر بکاهد.

مطالعات به عمل آمده نشان داده است که افزایش تحصیلات و درآمد سرانه مادران رابطه مستقیمی با بهبود بهداشتی و تغذیه‌ای خانوار داشته و آموزش دختران یکی از بنیادی‌ترین عوامل تعیین کننده در کاهش باروری است. زنان تحصیلکرده غالباً آگاهی بیشتری در مورد امکانات مربوط به تنظیم خانواده داشته و احتمالاً شانس بیشتری را به نسبت بی‌سوادان درباره تعداد فرزندان و زمان آن داشته و غالباً دیرتر نیز ازدواج می‌کنند، بنابراین در کنترل رشد جمعیت نقش اساسی خواهند داشت.

برای دستیابی به هدف توسعه انسانی، زنان باید مشارکت سازنده‌ای در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری داشته باشند و لازمه آن نیز فراهم کردن امکانات برابر برای دستیابی به آموزش، خدمات بهداشتی و تغذیه‌ای، تنظیم خانواده و... است.

آموزش زنان در تمامی جوامع رو به توسعه در مورد روابط بین جمعیت و محیط‌زیست نیز کاملاً مشهود است، تا بتوان از آن طریق در رفتار، طرز زندگی، نحوه مصرف و طرز تلقی تأثیر درخوری به جای گذاشت و در این خصوص نقاطی که به صورت اکولوژیکی مورد هجوم جمعیت آسیب‌پذیر است و با



نحوه زندگی خود بر اکوسیستم بشدت اثرگذار بوده است، در اولویت قرار می گیرد.

### ۳ - تنظیم خانواده

تنظیم خانواده یکی از مهمترین ابزارها برای رخنه در برهم کنش عوامل به هم پیوسته زنجیره پدیده های سه گانه است. اجرای تنظیم خانواده در سه دهه اخیر در کشورهای رو به توسعه از ۱۰ درصد به حدود ۵۳ درصد افزایش یافته است و میزان باروری تا حدی در اکثر مناطق در حال توسعه کاهش یافته است. لیکن بررسیهای جمعیتی نشان می دهد که هنوز نیاز به تنظیم خانواده تقریباً در همه کشورهای رو به توسعه در حد بسیار بالایی وجود دارد که تعداد آن در حال حاضر به ۱۲۰ میلیون زن می رسد. بنابراین مجموعه نیرومندی از تغییرات عملی واقعی در آموزش زنان در زمینه تنظیم خانواده می تواند کاراترین اهرمی شود که زندگی میلیونها زن کشورهای در حال توسعه را دگرگون می سازد.

### ۴ - زدودن نابرابریهای جنسیتی

توجه به موقعیت زنان و اتخاذ سیاستهای حمایتی به منظور ارتقای وضعیت کنونی زنان تا حصول به شرایط مطلوب از عناصر اساسی توسعه محسوب می شود.

در کنفرانسهای اخیر دهه ۹۰ بویژه در کنفرانس ریو و کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه صراحتاً مشارکت زنان در فرایند توسعه از طریق شرکت در امور جمعیتی، بهداشتی، آموزشی و فعالیتهای درآمدزا به عنوان شرکت کننده ذینفع مورد توجه قرار گرفته و توصیه شده که در جهت رفع موانع قانونی، سیاسی و اجتماعی که سد راه ترقی زنان محسوب می شود، کوشا باشند. این کنفرانسها اقداماتی نظیر کسب درآمد، خوداتکایی اقتصادی با بهره مند شدن از ارث و استفاده از حق مالکیت و دسترس به اعتبار را در راه ارتقای قابلیتهای زنان مؤثر دانستند و گروههایی را که در این زمینهها به حمایت از زنان در سطح جامعه برمی خیزند و در جهت آگاهی و سازماندهی و احقاق حقوق آنان تلاش می کنند مهم تلقی کردند و

تغییرات عقیدتی و رفتاری مردان و زنان را در جهت ارتقای پایگاه زنان لازمه رسیدن به برابری کامل بین آنان دانستند و برنامه‌های آموزشی در این زمینه را خصوصاً برای تغییرات نگرشی مردان و پسران بسیار با اهمیت عنوان کردند.

به‌طورکلی تغییر در وضعیت جمعیت، فقر و نابرابری و تنشهای زیست محیطی، آنچنان به یکدیگر وابسته است که هیچکدام از آنها را نمی‌توان به‌صورت تجریدی مورد مطالعه قرار داد. در اکثر کشورهای در حال توسعه بسیاری از منابع که بقای نسل آینده به آنها بستگی دارد، در حال نابودی است. لذا فعالیتهای بشری در ارتباط با تغییر وضع جمعیت از طریق دستیابی زنان به آموزش و خدمات تنظیم خانواده توأم با خدمات بهداشتی و تواناسازی زنان در تصمیم‌گیریها می‌تواند منجر به کاهش نرخ بالای مرگ و میر مادران و افزایش درآمد خانوار و نهایتاً کاهش رشد جمعیت شود. این تأثیر بویژه زمانی کارا تر خواهد بود که زنان از تحصیل مستمر و بیشتری برخوردار باشند. به‌احتمال زیاد زنان تحصیلکرده دیرتر ازدواج می‌کنند و نخستین بارداری خود را به تعویق می‌اندازند و فاصله بیشتری بین زایمانهایشان می‌گذارند و در مجموع فرزندان کمتری را دارا هستند. فرزند کمتر خود به‌معنای رفاه و امنیت بیشتر خانواده و مهیا کردن امکانات مناسب زیستی و کاهش منابع مصرفی و نهایتاً کاهش فشار به منابع تجدید شونده خواهد بود. مجموعه عوامل از سلطه فقر می‌کاهد و کشورها را برای مهیا کردن نیازهای اساسی کمک می‌کنند و بدین ترتیب مدار توسعه نیافتگی از جریان بازمانده و توسعه یافتگی آغاز شود.

### منابع:

۱ - یونسف. وضعیت کودکان جهان، ۱۹۹۴. تهران: صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونسف)،

۱۳۷۳

۲ - همایون، م. علی «توسعه کشاورزی بآبادار و فرزندایی» زیتون، آذر و دی ۱۳۷۳

۳ - قایینی، زهره. پیشرفت ملتها. تهران: یونسف، ۱۳۷۳

۴ - ورزگر، شراره و آتاجان نوری، نسرین. نقش زنان در فرایند توسعه.

۵ - علیزاده، محمد. «چشم‌انداز دور و نزدیک از روند تکامل جمعیت ایران و جهان (سالهای ۲۰۰۰ و

## اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه‌نامه نقش زنان در کشاورزی

۲۰۲۵). اقتصاد کشاورزی و توسعه، فصلنامه علمی پژوهشی: ویژه‌نامه جمعیت و نیروی انسانی،

۱۳۷۳.

۶ - صندوق جمعیت ملل متحد. کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه شماره ۱۹۹۴. تهران، صندوق

جمعیت ملل متحد، ۱۳۷۳.

۷ - «بادداشت سردبیر. فصلنامه علمی سازمان حفاظت محیط‌زیست، ویژه‌نامه ریو، ۴ (۲)

۱۳۷۱.

۸ - میرسلیم، مصطفی. «محیط‌زیست و جامع‌نگری». فصلنامه علمی سازمان حفاظت محیط‌زیست

- ویژه‌نامه ریو. ۴ (۲) ۱۳۷۱.

۹ - «جنگل، محیط زیست و توسعه پایدار - تخریب جنگلها! زمین از نفس می‌افتد» روزنامه همشهری،

۷۳/۱۱/۲۹.

۱۰ - کشاورز، علی. تقدیه و بهداشت عمومی از دیدگاه اپیدمیولوژی و سیاستهای پیشگیری.

۱۱ - ورزگر، شراره «مشکلات فراروی ارتقای سلامت زنان» سنبله، سال ۷ (۶۹) ۱۳۷۳.

### پانویس:

۱ - عنوان PPE نشانه اختصاری سه کلمه فقر Poverty، رشد جمعیت Population growth و تخریب محیط زیست Environmental deterioration است.

2- UNEP - United Nation Environment Programme

۳ - نقش تولیدی زنان Women's productive roles به مجموعه فعالیتهای گفته می‌شود که برای خانوار و اجتماع از نظر اقتصادی بازده دارد. مانند تولید محصولات زراعی و دامی، صنایع‌دستی کار دستمزدی و نقش زنان در نگهداری و نداوم (باز تولید) women's reproductive roles به فعالیتهای تولیدی و اقتصادی و نگهداری و نداوم منابع انسانی گفته شده؛ فعالیتهای مربوط به نگهداری و مراقبت از خانوار و اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند و شامل کارهایی مانند تأمین سوخت، حمل آب، آماده ساختن نگهداری از فرزند، آموزش فرزندان، بهداشت خانوار و نگهداری از منزل و تیمار افراد سالخورده است. این فعالیتهای معمولاً غیراقتصادی به‌شمار می‌آید و به‌ازای آن پولی پرداخت نمی‌شود و در محاسبات ملی نیز محاسبه نمی‌گردد.

۴ - طبق برآوردهای سازمان ملل متحد ۱۳ خانوارهای دنیا به‌سرپرستی زنان اداره می‌شود و در مناطقی که روستاییان مرد بدنبال فرصتهای اشتغال به‌شهرها مهاجرت می‌کنند، این ارقام بسیار بالاست.